

تبیین اثرگذاری تحولات اقتصادی بر فضاهای معیشتی (کشاورزی و دامداری) مسکن روستایی قزوین

زهرا بیگم تقوی*، کمال رهبری منش**، مریم ارمان***

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۸/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۹/۰۹/۰۶

چکیده

ابتدایی‌ترین و اصیل‌ترین صورت مسکن انسان‌های یکجانشین، مسکن روستایی است که به‌دنبال تغییر در شیوه کوچ‌نشینی عموماً بر پایه کشاورزی و دامداری، رشد و گسترش یافته است و بیانگر مفهوم تداخل گسترده کار و معیشت، سکونت و عدم وجود تفکیک زمانی فعالیت‌ها در نظام زندگی روستایی است. در دهه‌ی ۴۰ در ایران، اصلاحات ارضی به‌عنوان مقطعی سرنوشت‌ساز، مبدأ تحولات عمده‌ای در اقتصاد، روابط اجتماعی، مهاجرت، اشتغال، توسعه‌ی شهرنشینی قرار گرفت و آغازی بر دگرگونی در شکل کالبدی مسکن روستاها بود. سه منشأ بنیادی از امور غیراقتصادی- تغییر در توانمندی جوامع، تغییر در فناوری و تغییر در نهادهای عمومی جامعه- در شکل‌گیری تحولات اقتصادی تأثیرگذارند. این پژوهش به‌دنبال فهم و تبیین فرآیند تحولات اقتصادی و چگونگی تأثیر آن بر مسکن روستایی است.

در این پژوهش که از نوع توصیفی- تحلیلی می‌باشد با بررسی‌های میدانی و مطالعه اسنادی- کتابخانه‌ای در نظریات صاحب‌نظران این نتیجه حاصل گردید که: فرآیند تحولات اقتصادی توانسته است تنها باعث بهبود فضاهای زیستی و افزایش امکانات و تسهیلات آسایشی روستانشینان گردد، ولی فضاهای تولیدی معیشتی در مسکن روستایی به‌عنوان حلقه‌ای از نظام تولید، در طی این سال‌ها مغفول مانده است و در سازمان‌دهی فضائی مسکن روستایی در حوزه معیشتی، تنها به فضاهایی مانند انبار و طویله اشاره شده است، درحالی‌که عرصه در مسکن روستایی باغ، باغچه و زمین زراعی را نیز شامل می‌شود که مهم‌ترین بخش خانه روستایی به حساب می‌آید. این امر سبب شده کالبد سکونتگاه‌های روستایی به‌واسطه تغییر در الگوهای رفتاری معیشتی ساکنین، به سمت مسکن شبه‌شهری و اقتصاد روستایی از یک اقتصاد تولیدی به سمت اقتصاد مصرفی حرکت نماید؛ بنابراین لزوم به‌کارگیری عناصر کشاورزی (باغ، مزرعه، مرتع و دامداری) در معماری مسکن روستایی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

کلمات کلیدی: مسکن روستایی، اقتصاد، کشاورزی، رویکرد تولیدی- معیشتی.

** دانشجوی دکتری گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، ایران.

** استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، ایران. pr.rahbari@yahoo.com

*** استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، ایران.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری «زهرا بیگم تقوی» تحت عنوان «تبیین تأثیر تحولات اقتصادی جوامع روستایی بر کالبد مسکن روستایی» است که به راهنمایی دکتر «کمال رهبری منش» و مشاوره دکتر «مریم ارمان» در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین در سال ۱۳۹۸ در حال انجام است.

مقدمه

معماری مسکن روستایی نشان از شیوه زندگی، معیشت و شرایط اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن دارد؛ بنابراین مهم‌ترین معیارهای توسعه اقتصادی و شرط لازم برای رشد و توسعه روستایی، ایجاد اشتغال است. نتایج نمونه‌گیری از ویژگی‌های مسکن روستایی در سال ۱۳۹۲ توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در خصوص معیشت جامعه روستایی نشان می‌دهد که فعالیت غالب روستاها (۹۳.۵ درصد)، کشاورزی و دامداری می‌باشد که نیازمند فضاهای کالبدی متناسب با آن است، اما از کل واحدهای مسکونی روستایی، ۳۳ درصد دارای فضای معیشتی می‌باشند. باین‌همه تردید نیست شهرها با همه ثروتشان، صرفاً تولیدکنندگان درجه دوم هستند و زندگی شهرها وابسته به ادامه حیات روستاهاست، زیرا که مهم‌ترین نیازهای حیاتی و زیستی ساکنان شهرها که همان مواد غذایی است، در روستاها و توسط عشایر تهیه می‌شود.

لذا هدف ما فهم این مطلب است که در طی این سال‌ها، در مواجهه با دنیای مدرن، بر شکل‌گیری فضاهای مرتبط با معیشت مردم روستایی چه گذشته است و تحولات اقتصادی چه تأثیری بر عناصر معماری مسکن روستایی داشته‌است.

مطالعه حاضر با طرح این پرسش که: چرا و چگونه دگرگونی کالبدی- فضایی رخ داده در مسکن روستایی، متأثر از تحولات اقتصادی در جوامع روستایی می‌باشد؟

سعی دارد تا با نگاهی به گذشته، عناصر تشکیل‌دهنده مسکن روستایی (عرصه و اعیان) را بازنگری و با تبیین تأثیر تحولات اقتصادی در طی پنج دهه اخیر، الگوهای سنتی فضاهای معیشتی مسکن روستایی را همسو با مناسبات و فناوری روز، احیا نماید.

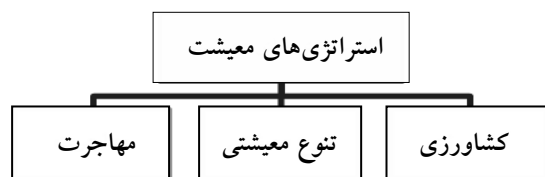
ادبیات موضوع

مبانی نظری

معیشت

معیشت به مفهوم زندگی، زنده بودن و مجموعه توانایی‌ها، دارایی‌ها و فعالیت‌هایی است که برای زندگی و زنده بودن مورد نیاز است (چمبرز، ۲۰۰۶: ۵). معیشت چیزی بیشتر از شغل و شامل همه کارهایی است که افراد انجام می‌دهند تا گذران زندگی کنند و اساس توسعه انسانی و توسعه اقتصادی بر معیشت استوار است (هلمور و سینگ، ۲۰۰۱)؛ بنابراین معیشت موجب بروز رفتارهای متفاوتی در زندگی روزمره روستاییان و به تبع آن شکل‌گیری نوعی از فضاهای زیستی- تولیدی می‌شود.

دامنه و ترکیب فعالیت‌ها و انتخاب‌هایی که مردم برای دستیابی به اهداف معیشتی خود انجام می‌دهند را **استراتژی‌های معیشتی** گویند (شوبهادیپ روی و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۹۱-۳۹۶). استراتژی معیشتی نحوه ترکیب فعالیت‌های کسب درآمد، شیوه استفاده از دارائی‌ها و نحوه مدیریت برای حفظ آن می‌باشد (دی اف آی دی، ۲۰۰۱).



عرصه و اعیان در مسکن روستایی

معماری روستا با خانه آغاز می‌شود و با خانه به آخر می‌رسد. تاروپود این معماری از جمله مسکن با مسائل مربوط به محیط، نوع معیشت و شکل تولید پیوند خورده و ادامه حیات مردم روستایی، در گرو چرخش چرخ‌های اقتصادی روستا و تولید است. در این راستا نوع غالب از شیوه معیشت در این کانون‌های زیستی،

اصولاً رویکردهای اقتصادی که از سوی مدیران، من جمله ایران، برای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه برگزیده می‌شود، «اقتصاد نئوکلاسیک» می‌باشد که مبتنی بر قوانین ثابت و ایستای بهره‌وری و سوددهی در تولید است و کمتر به مسائل اجتماعی و فرهنگی توجه دارد (داگلاس سی. نورث، ۱۳۹۷: ۴۶).

اما اقتصاد نهادی جدید، یا اقتصاد نهادگرا، امری پویا و مبتنی بر دانش، فناوری و نهادهای اجتماعی است که بهره‌وری و سوددهی اقتصادی را در تأمین معیشت عامه جامعه می‌بیند و بدین ترتیب تحول اقتصادی را شکل می‌دهد. از این‌رو تحولات اقتصادی تابعی از سه مجموعه بنیادی از امور غیراقتصادی هستند:

- **تغییر در توانمندی جوامع**^۲، به معنای میزان مهارت و توانایی یک جامعه، یا میزان جمعیت آماده و قادر به انجام کار می‌باشد.

- **تغییر در فناوری**^۳، به مفهوم استفاده عملی از دانش و تجربه در امر تولید است. نهادهایی که وسایل، ابزار و ماشین‌آلات و بالاخره فنون تولید، فرآوری و عرضه محصولات کشاورزی و دامداری را در اختیار کشاورزان و دامداران قرار می‌دهند.

- **تغییر در نهادهای عمومی**^۴ جامعه، متشکل از ساختارهای حقوقی، سیاسی و اجتماعی یعنی هنجارها، رسوم و فرهنگ هر جامعه است.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته در باب این مقاله را می‌توان از دو منظر پی گرفت: نخست سابقه توجه به معماری روستایی در سطح جهانی و سپس سابقه تلاش‌های داخلی در حوزه معماری مسکن روستایی، از این‌رو به بیان مختصر این دو منظر پرداخته می‌شود.

پژوهش‌های خارجی

آنچه در ایران به‌عنوان مسکن معیشتی روستایی با

عاملی مهم و تأثیرگذار بر بافت، کالبد و شکل منازل مسکونی نیز می‌باشد (اکرمی، ۱۳۸۹: ۲۵ - ۴۸)؛ بنابراین «هر خانه روستایی اولاً یک واحد خودکفا است و ثانیاً ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با نوع معیشت دارد» (زرگر، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

در دائره‌المعارف معماری و شهرسازی، اعیانی، در مقابل عرصه به کار می‌رود و عرصه، محوطه یا قطعه زمینی است که در آن اعیانی بنا می‌شود. اعیانی زراعی، شامل خانه مسکونی، انبار، طویله و اشجار است. از این‌رو، مسکن روستایی طیف گسترده‌ای از کارکردهای گوناگون و فضاهای لازم برای زندگی، کار و فعالیت، انبار، نگهداری دام و مانند آن را مهیا می‌سازد که به ۳ دسته تقسیم می‌شوند: کارکردهای زیستی، کارکردهای اقتصادی (معیشتی - تولیدی) و کارکردهای خدماتی که هر یک عرصه و فضاهای خاصی را به خود اختصاص می‌دهند (محمدی یگانه، ۱۳۹۶: ۶۲). چنین عملکردی می‌تواند مسکن را به‌عنوان یکی از اهرم‌های توسعه اقتصادی در خدمت تولید قرار دهد (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸: ۶۷).

اقتصاد و مسکن روستایی

اقتصاد عبارت از برقراری توازن در تراز معیشت خانواده و جامعه است. کشاورزی و دامداری زمینه‌های اقتصاد روستا هستند. اقتصاد روستایی شامل کلیه فعالیت‌هایی است که در محیط روستا اعم از کشاورزی یا غیرکشاورزی، به‌منظور تأمین معاش روستائیان انجام می‌گیرد (پورطاهری، ۱۳۹۷: ۴۳۵) و موجب درآمدزایی برای ساکنان روستایی می‌گردد. تحول اقتصادی که موضوع این پژوهش هست شامل تحول در رفاه مادی و فیزیکی انسان‌هاست و فهم فرایند تحول اقتصادی، ما را قادر به بیان دلایل مادی وضعیت امروز مسکن روستایی می‌نماید.

محوریت کشاورزی و دامداری می‌شناسیم، در دیگر کشورها با عنوان‌های مختلف مانند مسکن خودکفا، مزارع مسکون، معماری کشاورزی وجود دارد. کتاب «معماری و کشاورزی»، راهنمای طراحی روستایی، ضمن تأکید بر ارتباط مسکن روستایی با عملکرد، فرهنگ، اقلیم و موقعیت، به طراحی و معماری مسکن روستایی و معماری فضاهای کشاورزی در روستا می‌پردازد. به خواننده درباره پتانسیل‌ها، فرصت‌ها و ارزش‌های معماری روستایی آگاهی می‌دهد و اینکه چطور می‌توانیم با تغییرات سریع در آینده روستا همگام شویم (دیوی توربک، ۲۰۱۷). کریستا هالوشف نیز در رساله «معماری برای کشاورزی»، به ارائه طراحی برای فضاهای کشاورزی در کنار فضای مسکونی و با توجه به عملکرد فضا می‌پردازد. طراحی مزرعه خانوادگی پایدار، منطبق بر تغییرات زمینه‌ای مؤثر و کارآمد و همسان‌سازی معماری روستایی با شیوه‌های زندگی امروز است. هدف معماری کشاورزی، به‌کارگیری خلاقیت‌های معماری در طراحی مسکن روستایی، جهت حل مسائل و مشکلات معیشتی در مزرعه است تا با توجه به نیازهای نسل جدید در مزرعه تکامل و سازگاری یابند (هالوشاف، ۲۰۱۲).

پژوهش‌های داخلی

با بررسی «تأثیر نوسازی مسکن روستایی بر اقتصاد معیشتی روستائیان»، شمس‌الدینی و همکاران (۱۳۹۰) معتقدند که در زمینه اقتصاد معیشتی به دلیل عدم سازگاری «پلان» برخی از مسکن ساخته‌شده با نوع فعالیت تولیدی، به طور غیرمستقیم موجب رویگردانی بیش از ۷۵ درصد از روستائیان از انجام این‌گونه فعالیت‌ها شده‌است. نتایج «بررسی روند تغییرات کارکردی خانه‌های روستایی» صیدایی و همکاران (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که بین نوع شغل و تحول

خانه‌های روستایی و همچنین بین کسب و افزایش آگاهی از فناوری رابطه مستقیم وجود دارد که باعث بیشترین تغییرات در کارکرد خانه‌های روستایی شده‌است. سعیدی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله «نوسازی مسکن و دگرگونی ساختاری- کارکردی خانه‌های روستایی» نتیجه گرفته‌اند که اجرای طرح بهسازی و نوسازی به دگرگونی در فعالیت‌های معیشتی خانوارهای روستایی منجر شده‌است و همین خود باعث کاهش فعالیت در بخش کشاورزی و تمایل آن‌ها جهت کار و فعالیت در بخش خدمات شده‌است.

با «تحلیلی بر اثرات اعتبارات مقاوم‌سازی مسکن روستایی بر کارکرد تولیدی آن»، محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۶) بیان می‌کنند که در بعد اقتصادی موجب تغییر جهت زندگی روستائیان از اقتصاد معیشتی و خودکفا، به اقتصاد مصرفی و تغییر معیشت بومی روستائیان شده‌است. مهدی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷) در «اثرات عوامل اقتصادی در ساختار کالبدی مسکن روستایی پایدار» بیان می‌کنند که کالبد معماری روستاها با توجه به ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی و فعالیت‌ها شکل گرفته‌است. با «تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر تحولات مسکن معیشت محور در نواحی روستایی»، محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۸)، نشان می‌دهند که کارکرد مسکن در سکونتگاه‌های روستایی به سمت «خوابگاهی» در حال تحول می‌باشد و ادامه این روند متأثر از جایگاه ضعیف اقتصاد روستایی است.

روش تحقیق

هدف مقاله حاضر، شناخت چگونگی تأثیر تحولات اقتصادی بر کالبد مسکن روستاهای کوهستانی و دشتی استان قزوین است. در این مقاله به منظور فهم فرایند تحولات اقتصادی در مطالعات موردی، به تأثیر عوامل

یادشده بر نظام کالبدی مسکن روستایی در نقاط مختلف خرده اقلیمی قزوین پرداخته می‌شود. نظر به اینکه بررسی ویژگی‌های اقتصادی نمی‌تواند محدود به حوزه‌ای بسته باشد و این مقوله متعاقب تحولات اقتصادی کلان، در مکان، تجدیدپذیر نبوده ولی در زمان تغییر می‌یابد، لذا تدقیق به صورت مطالعه موردی بدون فرانگری در حدود مکانی، امری غیرعلمی خواهد بود. باین حال امکان تحقیق ژرفانگر، در این خصوص بیشتر به صورت تکنگراری میسر می‌باشد. ازاین‌رو، در این پژوهش هدف کسب درک عمیق از پدیده مورد بررسی است، تا معانی نهفته در پدیده‌های معماری و مسکن روستایی را از زمینه‌ای که رویدادها در آن رخ داده‌اند، استخراج نموده و از طریق ابزار استنتاج و پدیده‌های قابل مشاهده تبیین نماییم. بنابراین تعمق در ویژگی‌های اقتصادی برای مقاله حاضر که محدود به حوزه اقتصادی قزوین است، در محدوده شهرستان قزوین با بالاترین درصد روستاهای کوهستانی، شهرستان آبیگ بالاترین درصد روستاهای پایکوهی و شهرستان البرز بالاترین درصد روستاهای دشتی انتخاب گردیدند. از آنجا که در این پژوهش هدف رسیدن به نمونه‌ای است که معرف یک گروه وسیع‌تر از نمونه‌ها بوده و تا حد امکان به آن نزدیک باشد و یا به دنبال مقایسه بین گروه‌های مختلف هستیم. ازاین‌رو روستاهایی را به صورت هدفمند انتخاب می‌نماییم که بیشترین تأثیر را در طی این سال‌ها از تحولات اقتصادی دیده‌اند. هرچند که تأثیر تحولات اقتصادی تنها به این منطقه محدود نبوده است، باین حال مطالعه موردی در این منطقه وجوه این تحقیق را ملموس‌تر می‌نماید.

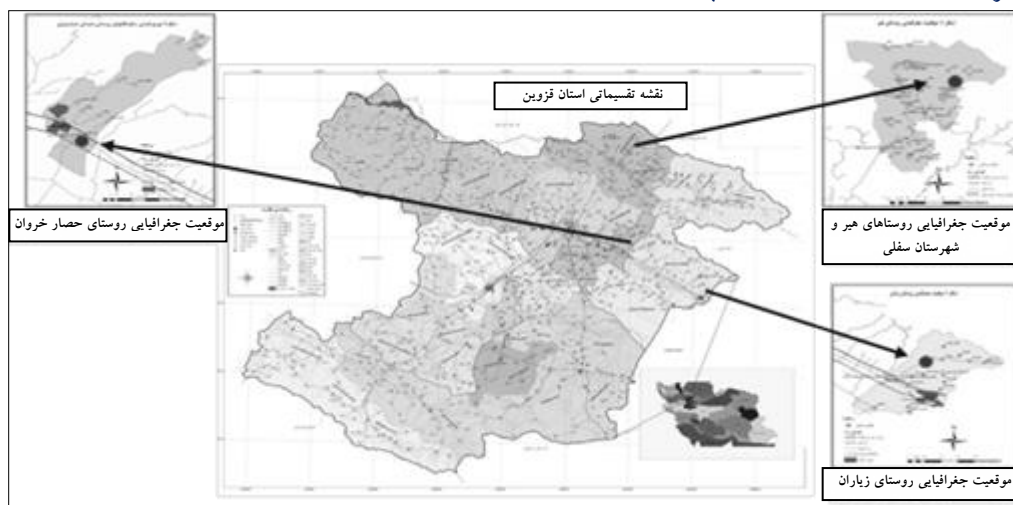
پس از بررسی و مطالعات انجام‌شده توسط شرکت‌های مشاور طراحی (دهه چهل)، به لحاظ جغرافیایی و اقتصادی، ۶ طرح برای آبرسانی در شبکه آبیاری

پیشنهاد گردید که از این میان منطقه F، شامل ۳۷ روستا که دارای خاک درجه یک بوده و علاوه بر حفر چاه‌های عمیق در سفره آب زیرزمینی دشت قزوین، انتقال آب از طالقان رود نیز به آن‌ها تخصیص داده شد، انتخاب گردید و به موجب این طرح، تنها برخی روستاهای دشتی و پایکوهی که در شبکه آبیاری قرار گرفتند، از سرمایه‌گذاری اقتصادی دولتی بهره‌مند گردیدند. از طرف دیگر، در مقابل روستاهای منطقه کوهستانی، هرچند بیش از نیمی از جمعیت روستایی استان را تشکیل می‌دادند، اما با توجه غیراقتصادی بودن انتقال و توزیع آب و کشاورزی در اراضی خرد و پراکنده در این مناطق، در مقایسه با زمین‌های مسطح دشت قزوین، از ثمرات توسعه و سرمایه‌گذاری محروم ماندند. به همین جهت ما نیز در منطقه دشتی استان منطقه F و در منطقه کوهستانی ۳۷ روستایی که از این امتیاز محروم ماندند، وجه مقایسه قرار می‌دهیم.

این نوشتار که بر مبنای تحقیق کاربردی- توسعه‌ای با راهبرد پژوهشی توصیفی و علی است، به مطالعه موردی در منطقه جغرافیایی قزوین توجه دارد که از سویی بر مدارک اسنادی و منابع نوشتاری استوار است و از سویی دیگر بر شرایط اقتصادی نظر دارد و به فهم کالبد روستا از دیدگاه کل‌نگر می‌پردازد. اطلاعات آن با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی به روش مشاهده گردآوری شده است. مبنای نظری این تحقیق کیفی، در اغلب بخش‌ها بر پارادایم ساختارگرایی و مستقل از مستندات عددی است. رویکرد نظری اثباتی نبوده، بلکه هنجاری با دامنه متوسط است. داده‌های مطالعات میدانی این مقاله از ۳۷ روستای کوهستانی و ۳۷ روستای پایکوهی و دشتی استان قزوین، از میان حدود ۸۴۲ روستای دارای سکنه، طی سالیان متوالی (بیش از چهار دهه) جمع‌آوری شده است. از آنجا که

در بخش مطالعات در خصوص تعمیم اطلاعات روستاها به کلیت خصایص اقتصادی قزوین از روش استقرا و در تحلیل اطلاعات بیشتر از شیوه قیاس استفاده شده است. بدیهی است در این تحقیق که به تأثیر تحولات اقتصادی بر ساختار کالبد معیشتی اختصاص دارد، ویژگی‌های نظیر خصوصیات طبیعی متغیر مستقل، خصوصیات معیشتی و خصایص اقتصادی متغیرهای میانگر و ویژگی‌های کالبدی به‌عنوان متغیر وابسته مطرح می‌باشند. هرچند که برخی از خصایص سیاسی و فرهنگی و اجتماعی نیز در شرایطی به‌عنوان متغیر مستقل منظور می‌گردند. (تصویر شماره ۱) موقعیت جغرافیایی هر یک از این روستاها را نمایش می‌دهد.

معیار توصیف یا تبیین یک پدیده به مشروح‌ترین شکل ممکن و مقایسه مداوم، اساس پژوهش کیفی است و سعی در شناخت بهتر هر پدیده در زمینه خاص و منحصر به فرد خود دارد. ما نیز به صورت هدفمند به مقایسه و تبیین نمونه‌های بارز از این دو گروه روستا پرداختیم. به ترتیب پرجمعیت‌ترین روستای منطقه کوهستانی «هیر» را از بین ۳۷ روستای منطقه کوهستانی، در مقابل پرجمعیت‌ترین روستاهای گونه پایکوهی و دشتی، «زیاران» و «حصارخروان» که بیشترین تحولات در آن مشهود است انتخاب نمودیم، این روستاها از حوزه‌های اقلیمی کوهستانی، کوهپایه‌ای و دشتی به لحاظ تعمیم‌پذیری به کلیه نقاط استان، انتخاب شده است.



ت ۱. موقعیت قرارگیری روستاهای کوهستانی هیر، پایکوهی زیاران و دشتی حصارخروان، در نقشه تقسیماتی استان قزوین، مأخذ: استانداری قزوین، دفتر برنامه‌ریزی و بودجه، مهندسین مشاور آمایش توسعه البرز.

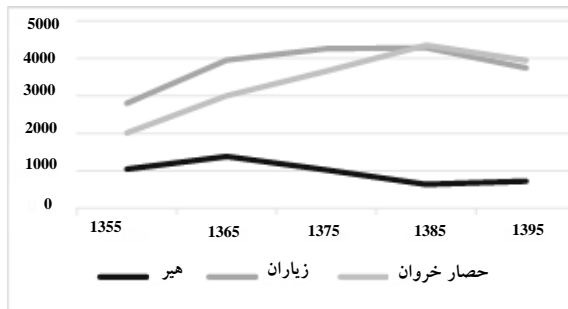
دامداری است. روستای هیر در آخرین سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵ دارای ۷۲۶ نفر جمعیت ساکن بوده است. پرجمعیت‌ترین روستای منطقه کوهستانی است. روستای پایکوهی زیاران، از توابع بخش مرکزی شهرستان آبیک در استان قزوین، یکی از پرجمعیت‌ترین روستاهای دهستان زیاران می‌باشد. روستای زیاران از

بحث و نتایج آنالیز

معرفی محدوده مورد مطالعه

روستای کوهستانی هیر، در منطقه الموت و در طبقه ارتفاعی بین ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ متر، عمده منابع آب کشاورزی آن از رودخانه نینه رود می‌باشد. معیشت غالب آن کشاورزی که ۸۰ درصد از باغداری، در سطح ۵۰۰ هکتار (گیلاس، فندق و زغال اخته) و بقیه

کوهستانی، به دلیل دوری از مراکز کشاورزی، صنعتی و نبود راه دسترسی، امکان کمک‌رسانی به این روستاها با مشکلات عمده‌ای مواجه بود. لذا جریان مهاجرت به سمت قطب‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی اغلب به دلیل کمبود امکانات زندگی و کاهش سطح بهره‌وری آغاز گردید که هنوز هم ادامه دارد. به طوری که امروز پرجمعیت‌ترین روستای منطقه کوهستانی (هیر)، جمعیتی کمتر از کم‌جمعیت‌ترین روستای واقع در این مراکز دارند (تصویر شماره ۲).



ت ۲. تحولات جمعیتی روستاهای هیر، زیاران و حصارخروان در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۹۵، مأخذ: مرکز آمار ایران.

این موضوع موجب متروک شدن و از میان رفتن بخش زیادی از بافت‌های روستایی (در مناطق دور افتاده) و از طرف دیگر رشد سریع و نامتوازن برخی دیگر از بافت‌های روستایی (که سرمایه‌های فراوان طبیعی داشته و در کنار کانون‌های بزرگ جمعیتی قرار دارند) شده است.

الگوی فضائی و کارکردی

در مسکن روستایی دیروز در عرصه و اعیان مسکن، باغ، مزرعه، علفزار، دامگاه و کارگاه‌های صنایع دستی و فرآوری محصولات دامی و زراعی وجود داشت، ولی در مسکن روستایی امروز، فضاهای معیشتی از سرانه مسکونی حذف گردیده و فقط حیاطی کوچک در کنار فضای مسکونی باقی مانده است. در روستای هیر، تولید در باغات سنتی و فرآوری به شکل سنتی باقی

روستاهای دیم زار، در منطقه کوهپایه‌ای و در طبقه ارتفاعی ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر واقع شده و نوع اقلیم آن نیمه‌خشک سرد مدیترانه‌ای است. روستای زیاران در محور آبیک- طالقان، به‌عنوان یکی از روستاهای عبوری از موقعیت جغرافیایی ویژه و از سطح بالای خدمات زیرساختی برخوردار می‌باشد. توسعه صنعتی (کارخانه سیمان آبیک) حوزه‌های معیشتی- زیستی آن را دگرگون کرده است. وضعیت کشاورزی آن زراعت آبی و باغداری است.

روستای دشتی حصارخروان، با مرکزیت روستای حصار خروان، تابع شهرستان البرز، در منطقه‌ای دشتی و در طبقه ارتفاعی ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ متر و اقلیم نیمه‌خشک سرد مدیترانه‌ای واقع شده است. این روستا در محور اتوبان قزوین- تهران، به‌عنوان روستایی عبوری در سطح دهستان از موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. عواملی نظیر نحوه استقرار روستای حصار بر روی اراضی دشتی، قابلیت کشت آبی این اراضی و وجود منابع آب متعدد، نزدیکی به مراکز شهری و دسترسی به جاده‌های ارتباطی، از عوامل مؤثر در موقعیت ویژه این روستا می‌باشند. روستای حصارخروان در آخرین سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵ دارای ۳۹۴۹ نفر جمعیت ساکن بوده است.

مقایسه تطبیقی نمونه‌های مطالعاتی

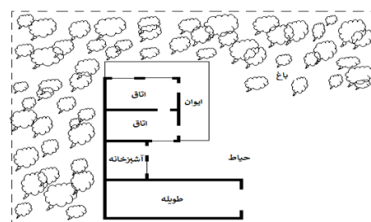
تحولات جمعیتی

یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که یکی از علل بنیادین تفاوت تغییرات در مسکن این سه روستا، میزان فاصله تا قطب‌های اقتصادی قزوین و نحوه بهره‌مندی این روستاها از سرمایه‌گذاری‌های دولت می‌باشد که امکان کشاورزی آبی در بیش از شصت هزار هکتار اراضی این روستاها، برای اولین بار فراهم گردید. در مقابل روستای هیر، مانند صدها روستای دیگر

مانده است، اما با تغییرات مسکن به سمت شبه شهری که طی دهه اخیر آغاز شده و عدم ارائه متدی نوین در فضاهای معیشتی، این باغات نیز به زودی روی به نابودی خواهند داشت (تصویر شماره ۳ و ۴).



ت. ۳. مسکن سنتی در روستای کوهستانی هیر.



ت. ۴. پلان مسکن روستایی با معیشت باغداری سنتی.

در روستای زیاران، باغات سنتی در کنار رودخانه فصلی زیاران، توسعه بسیار یافته اند و تبدیل به باغ ویلاهای بسیار زیبا شده اند. البته می دانیم که باغ ویلا تفاوت فاحش با مسکن معیشتی دارد، زیرا فاقد حوزه تولیدی بوده و بیشتر جنبه استراحتگاهی دارد.



ت. ۵. مسکن معاصر روستای زیاران (مسکن ویلائی).



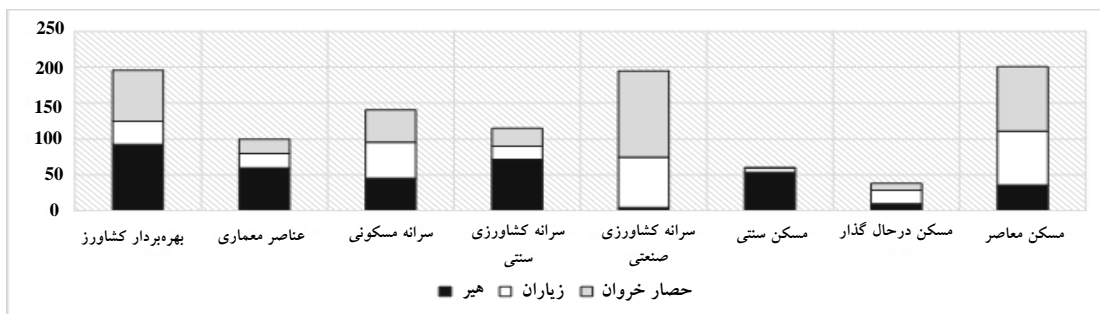
ت. ۶. مسکن معاصر روستای حصارخروان (مسکن حاشیه نشین).

در روستای حصارخروان، قبل از تحولات اقتصادی، باغات سنتی به عنوان یکی از عناصر تولیدی در معیشت روستائینان به شمار می آمد، لیکن با قرار گرفتن روستا در محدوده قطب های کشاورزی و صنعتی که وظیفه تولید را بر عهده گرفتند، دیگر کار و تولید در باغات سنتی مقرون به صرفه نبوده و این باغات به صورت متروکه باقی مانده اند که به تدریج تحت نفوذ کارگاه های صنعتی قرار گرفته اند.

یافته های توصیفی از ارزیابی مقایسه تطبیقی جمعیت و خانوارهای بهره بردار کشاورزی و دامداری نشان می دهد در روستای هیر ۳۳ درصد از خانوارها به کار کشاورزی مشغول هستند، در حالی که در روستای زیاران این میزان نسبت به میزان جمعیت به حدود ۱۵ درصد و در حصارخروان به ۲۵ درصد رسیده است. این نشان می دهد غالب افراد روستا در مراکز صنعتی و خدماتی کار می کنند و تنها آن ها که در زمان اصلاحات ارضی صاحب نسق شناخته شده و به کار کشاورزی اشتغال دارند.

با مقایسه سرانه زمین مسکونی و کشاورزی در هر یک از روستاها نیز مشاهده می شود که در روستای هیر میزان سرانه زمین کشاورزی سنتی بیشتر از صنعتی است، ولی در زیاران و حصارخروان، با وجود افزایش سرانه زمین مسکونی، سرانه زمین کشاورزی سنتی تقریباً به صفر رسیده است، که نشان دهنده اشتغال در قطب های کشاورزی و صنعتی و خدماتی می باشد. در نهایت بررسی مقایسه ای بین سه نوع مسکن روستایی شکل گرفته در این سال ها - سنتی، در حال گذر و معاصر - نشان می دهد که روستای هیر با ۷۱ درصد مسکن سنتی، نسبت به زیاران با ۹ درصد و حصار با ۲۱ درصد، به دلیل دور بودن از شعاع قطب های اقتصادی، کمترین میزان تأثیر را پذیرفته و انسجام دو عنصر مسکن و کشاورزی که از ویژگی های مسکن

روستایی است، تنها در این روستا می توان مشاهده کرد (تصویر شماره ۷).



ت ۷. مقایسه تطبیقی جمعیت، سرانه زمین مسکونی، کشاورزی سنتی و صنعتی، مسکن سنتی، در حال گذار و معاصر (شبه شهری) و درصد جمعیت بهره بردار کشاورز، در روستاهای هیر، زیاران و حصارخروان، برگرفته از اطلاعات مرکز آمار.

سرمایه گذاری جهت تولیدات کشاورزی در کوتاه مدت، موجب گردید فضاهای معیشتی در معماری مسکن روستایی مغفول بماند. به این ترتیب که عناصر معماری مسکن روستایی به عنوان تابعی از متغیرهای قطب های کشاورزی، صنعتی و خدماتی، تغییراتی را متحمل شدند که برخلاف انتظار برنامه ریزان توسعه اقتصادی روستاییان بود. میزان تأثیرپذیری به طور خلاصه در (جدول شماره ۱) آمده است.

کیفیت معماری انواع مسکن در روستاهای منتخب دیدیم که تا همین پنج دهه اخیر نیز نقش اقتصادی روستاییان در جامعه ایرانی بسیار پررنگ و پایدار بوده است. لیکن تحولات اقتصادی ناشی از انقلاب صنعتی غرب که امواج اقتصادی و اجتماعی آن در دهه چهل (۱۳۴۰ ه.ش.) دامن شهرهای ایران را گرفت، در اولین گام رابطه اقتصادی شهر و روستا را از هم گسیخت. رویکرد اقتصادی با بازدهی مثبت

روستا	جغرافیا	موقعیت	وضعیت مسکن	کیفیت و عمر واحدهای مسکونی (طرح هادی ۱۳۸۵)	کاربری	فضاهای معماری	کیفیت مسکن
هیر	کوهستانی	دور از قطب های صنعتی، کشاورزی و خدماتی	سنتی	تخریبی (قدیمی)	معیشت محور	حوزه زیستی، حوزه کشاورزی (طویله، بهار بند، انبار علوفه، فرآوری محصولات دامی و باغی، باغ و مرتع و علفچر)، حوزه خدماتی	یک
		کشاورزی و خدماتی	در حال گذار	قابل نگهداری (مرمتی)	تنها حوزه زیستی مقاوم و بهسازی، حوزه کشاورزی و خدماتی سنتی	دو	
			معاصر	نوساز	حوزه زیستی (مسکن شبه شهری)	سه	
زیاران	پایکوهی	در سراب قطب کشاورزی	سنتی	تخریبی (قدیمی)	-	حوزه زیستی، حوزه کشاورزی (طویله، بهار بند، انبار علوفه، فرآوری محصولات دامی و باغی، باغ و مرتع و علفچر)، حوزه خدماتی	یک
			در حال گذار	قابل نگهداری (مرمتی)	سکونت	تنها حوزه زیستی مقاوم و بهسازی، حوزه کشاورزی و خدماتی سنتی	دو
			معاصر	نوساز	ویلا، باغ و ویلا	پنج	
حصار خروان	دشتی	در مجاورت قطب صنعتی	سنتی	تخریبی (قدیمی)	-	حوزه زیستی، حوزه کشاورزی (طویله، بهار بند، انبار علوفه، فرآوری محصولات دامی و باغی، باغ و مرتع و علفچر)، حوزه خدماتی	یک
			در حال گذار	قابل نگهداری (مرمتی)	سکونت	تنها حوزه زیستی مقاوم و بهسازی	دو
			معاصر	نوساز	حوزه زیستی (حاشیه نشین یا کارگری)	چهار	

ج ۱. موقعیت جغرافیایی روستاهای مطالعاتی و وضعیت فضاهای معماری و کاربری مسکن به لحاظ کیفی.

نحوه تأثیر تحولات اقتصادی بر کالبد مسکن روستایی

بنابراین تحول اقتصادی که موضوع این پژوهش هست شامل تحول در رفاه مادی و فیزیکی انسان‌هاست و دانش و فناوری، عامل بسیار بنیانی و تعیین‌کننده کران بالای رفاه انسان است؛ اما دیدیم که اثر متقابل مهارت و

دانش، فناوری، نهادها و عوامل جمعیت‌شناختی است که فرایند تحول اقتصادی را شکل می‌دهد. معماری کلیدی در فرایند تحول اقتصادی - ساختار نهادی به هم وابسته و پیچیده است که مشخصه محیط انسانی مدرن است. در یک تحلیل مختصر (جدول شماره ۲) از فرایند تحولات اقتصادی مؤثر می‌توان گفت.

عنوان	نحوه اثرگذاری	نوع / جزئیات	نحوه تأثیر در مسکن روستایی
سه منشأ غیراقتصادی اثرگذار در تحولات اقتصادی	تغییر در توانمندی جوامع	کیفیت به معنای میزان توانایی و مهارت‌های یک جامعه، میزان پیری جمعیت یا میزان جمعیت قادر به انجام کار	روستای هیر: عدم تعادل سنی و جنسی خانواده‌های روستایی؛ مهاجرت، تغییر ساختار خانواده از هسته‌ای به گسترده، رها ماندن خانواده از سنین کهنسالی و عدم انتقال تجربه فعلیتی - معیشتی به جوانان (کاهش بهره‌وری روستا)
		کمیت به معنای نرخ رشد جمعیت: * مهاجرت‌های دائمی	روستای زیاران: فرارگری در سراب قطب‌های کشاورزی دشت قزوین، شبکه ارتباطی مناسب و دسترسی آسان، فعالیت در مراکز کشاورزی بزرگ
تغییر در فناوری	استفاده از دانش و فناوری نوین در تولید در مراکز و قطب‌های کشاورزی و صنعتی	* آمدو شد‌های روزانه بین محل سکونت و محل کار	روستای حصارخروان: فرارگری در قطب‌های کشاورزی و صنعتی و نزدیکی روستا به شهر، ارزانی نرخ زمین و مسکن در روستا، مهاجرت‌پذیر از روستای دورافتاده، فعالیت در مراکز صنعتی
		عدم حمایت از کشاورزی سستی	روستای هیر: عدم حمایت‌های دولتی از کشاورزی سستی، عدم تغییر و بروزرسانی در فضاهای حوزه معیشتی (کشاورزی و دامی) مسکن روستایی
تغییر در نهادهای اجتماعی	الغای نهاد ارباب-رعیتی و تشکیل وزارت جهاد کشاورزی، بانک کشاورزی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به‌عنوان نهادهای اجتماعی روستا	مراکز و قطب‌های کشاورزی و صنعتی	روستای زیاران: حذف فضاهای معیشتی (کشاورزی و دامی) از مسکن سستی و تغییر فضاها با توجه به نیازهای جدید
		عدم حمایت از کشاورزی سستی	روستای حصارخروان: باغات سستی متروک‌مانده، حذف فضاهای معیشتی (کشاورزی) از مسکن سستی
		الغای نهاد ارباب-رعیتی و تشکیل وزارت جهاد کشاورزی، بانک کشاورزی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به‌عنوان نهادهای اجتماعی روستا	روستای هیر: تنها موجب استحکام و مقاوم‌سازی مسکن روستایی در حوزه زیستی (دوام سازه و مصالح نوین) روستای زیاران: موجب استحکام و بهبود واحدهای مسکونی، مسکن معاصر شهری، ویلا و باغ ویلا
نتیجه	میاست‌های اقتصادی شهرمحور، با هدف تولید غذای شهرنشینان در قطب‌های کشاورزی و دامداری متمرکز، موجبات غیراقتصادی نشان دادن تولید در مراکز تولید روستایی غیرمتمرکز شده که نتیجه نهائی آن حذف فضاهای معیشتی از مسکن روستایی بوده است. به‌طوری‌که در روستاهایی که در شعاع تأثیر این مراکز بوده و از رفاه اقتصادی برخوردار شده‌اند، نیز فضاهای معیشتی از مسکن جدید آن‌ها حذف گردیده‌است.	روستای حصارخروان: استحکام و مقاوم‌سازی مسکن، نفوذ کارگاه‌های صنعتی و دامداری‌های صنعتی کوچک در بافت مسکونی روستا و تغییر مسکن روستایی به مسکن حاشیه‌نشین با کارکرد خوابگاهی	بافت مسکونی روستا و تغییر مسکن روستایی به مسکن حاشیه‌نشین با کارکرد خوابگاهی

ج ۲. نحوه تأثیر تحولات اقتصادی بر کالبد مسکن روستایی در روستاهای هیر، زیاران و حصارخروان.

سال‌هاست.

تغییر در نهادهای عمومی جامعه

در گذشته نهاد اجتماعی غالب در روستا، نهاد ارباب-رعیتی و ایلاتی بود، به تدریج از سال ۱۳۰۸ نهادهای جدید وابسته به دولت با هدف تمرکزگرایی تشکیل گردید (نهاد انگیزشی، توانمندی و فناوری). تا سال ۱۳۴۱ با وقوع اصلاحات ارضی که خبر از پایان نظام ارباب-رعیتی و ایلاتی و پذیرش تحولات عصر جدید می‌داد، نهادهای سه‌گانه مذکور، با عناوین مختلف برای مدیریت اقتصادی - اجتماعی روستا فعالیت می‌کردند که گرایش به یکپارچه‌سازی واحدهای بهره‌برداری پراکنده در روستاها و برپایی واحدهای کشت و صنعت بزرگ، نمودی از این رویکرد در آن

عدم برنامه‌ریزی هدفمند برای مسکن روستایی عملکرد چهل‌ساله نهادها نشان می‌دهد که عدم همپوشانی و هماهنگی نهادهای سه‌گانه (انگیزشی، توانمندی و فناوری)، مرزبندی تخصصی بین فعالیت‌ها و بالاخره پیروی از اهداف اقتصاد نئوکلاسیک (تولید انبوه، سود و بازدهی بیشتر)، موجب کاهش حمایت مالی از کشاورزی و دامداری خانگی شده‌است که آثار این تحولات در معماری مسکن روستایی با حذف عناصر معیشتی از کالبد مسکن روستایی و عدم تعلق روستاییان به مسکن‌های نوساز در محیط روستا به خوبی مشهود است و مهم‌ترین نشانه این ناکامی را می‌توان در

سال‌هاست.

کاهش نسبت جمعیت روستایی و عشایری به جمعیت کشور در این دوران دید.

بنابراین تحولات اقتصادی دوره معاصر به دلیل همسو نبودن و عدم هم‌افزایی نهادها، سبب فاصله گرفتن از الگوهای بومی و روی آوردن به الگوهای جدیدی در مسکن روستایی شده که در مواردی نابسامانی کالبدی و ناهماهنگی فضای مسکن با نیازهای زیستی - معیشتی را به دنبال داشته است. در نتیجه بسیاری از روستاییان از تحولات اقتصادی که ظاهراً برای بهبود زندگی روستاییان برنامه‌ریزی شده بود، در حد کفایت بهره‌مند نگردیدند. خلاصه اینکه تحولات اقتصادی (E.C.)⁵ تابع تعامل بین نهادهای سه‌گانه اجتماعی می‌باشد و رویکرد نهاد انگیزشی (i)، در تعامل با نهادهای توانمندی (s) و فناوری (t)، بر معماری و کالبد مسکن روستایی اثرات افزایش یا کاهش دارند.

$$E.c.=f(i,s,t)$$

بدین ترتیب دو رویکرد مطرح می‌گردد:

الف) رویکرد اول (بر پایه اقتصاد نئوکلاسیک یا اقتصاد مرسوم، با هدف تمرکزگرائی و توسعه شهری) با ایجاد مراکز و قطب‌های کشاورزی و صنعتی، منجر به ایجاد مسکن غیرمولد روستایی، حاشیه‌نشینی و شبه شهری با کارکرد خوابگاهی گردیده است. در این پژوهش نیز با انتخاب نمونه‌های موردی از روستاهای متأثر از این هدف‌گذاری - به‌عنوان شاهد مدعی - دگرگونی‌های پدید آمده در این روستاها را بررسی و تحلیل نمودیم.

ب) رویکرد دوم (بر پایه اقتصاد نهادگرا، با هدف تمرکززدایی و توسعه روستا و شهر) با سرمایه‌گذاری و تقویت فضاهای معیشتی در مسکن روستاهای پراکنده و آموزش هدفمند روستاییان در زمینه کشاورزی و تأمین تجهیزات و امکانات تولید و بهره‌وری با آب کم و زمین کم، در راستای رسیدن به مسکن معیشت محور

روستایی که پیشنهاد این پژوهش است.

بنابراین اگر رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک باشد، آنگاه نتیجه فقر روستاییان و فقر مسکن روستایی است. در اقتصاد نهادگرا نیز تشکیل نهادهای سه‌گانه برای ایجاد تغییر در زمینه اقتصاد روستایی در جامعه، تنها شرط لازم است و شرط کافی وقتی تأمین می‌شود که رویکرد نهاد انگیزشی و به تبع آن فعالیت نهادهای فناوری و توانمندی در جهت پیوند شهر و روستا، ارتقاء اقتصاد روستا و معماری مسکن معیشت محور روستایی همسو گردند (تصویر شماره ۸).

از بین رفتن بخش عظیمی از نیروی مولد کشور	پیوند مناطق شهری و روستایی	
مسکن روستایی حاشیه‌ای، خوابگاهی، شبه شهری غیر مولد	به‌روزرسانی مسکن روستایی معیشت محور، مولد و پایدار	نتایج تحولات اقتصادی
تأمین تجهیزات و امکانات برای مراکز بزرگ کشاورزی و صنعتی	تأمین تجهیزات و امکانات برای تولید و بهره‌برداری با آب کم و زمین کم	نهاد فناوری
آموزش غیر هدفمند در زمینه کشاورزی	آموزش روستاییان در زمینه کشاورزی	نهاد توانمندی
ایجاد مراکز و قطب‌های کشاورزی و صنعتی	سرمایه‌گذاری و تقویت طرح‌های تولیدی در روستاهای پراکنده	نهاد انگیزشی
تمرکز گرایی/ توسعه شهری	تمرکز زدایی/ توسعه روستا و شهر	اهداف چارچوب نهادی
اقتصاد نئوکلاسیک	اقتصاد نهادگرا	نظام اقتصادی
اقتصاد		

۸. تأثیر تحولات اقتصادی بر پایداری مسکن معیشتی

سستی در روستاها.

نتیجه

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در طی سال‌های اخیر، از یک‌طرف عدم تکافوی فعالیت‌های کشاورزی و دام‌پروری سنتی و درآمدهای حاصل از آن و از طرف دیگر عدم وجود امکانات و تسهیلات زیستی و معیشتی، در طی این سال‌ها، منجر به مهاجرت روستاییان به شهرها گردیده است. در روستاهای دور از مراکز کشاورزی و صنعتی، با تغییر در کمیت و کیفیت جامعه روستایی، تغییر در نوع معیشت و به تبع آن نوع مسکن آن‌ها پس از سال‌ها حادث شده است؛ اما در

روستاهای نزدیک به این مراکز، به دلیل ارزان بودن نرخ زمین و مسکن در روستا و خدمات ارتباطی و دسترسی آسان، سرپرستان خانوار جهت فعالیت در بخش‌های صنعتی و خدماتی، نوع اشتغال و معیشت خود را از کشاورزی به بخش خدمات و واسطه‌گری تغییر داده‌اند. تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی بین شهرها با نواحی پیرامونی و روستاهای واقع در حوزه نفوذ آن‌ها، به مرور منجر به تغییرات مختلف در عرصه‌های گوناگون گشته و به دنبال رشد آگاهی و دانش روستاییان از تعاملات روستا-شهری، ساختار فرهنگی و اجتماعی روستاها نیز متحول شده و نوع مسکن آن‌ها را با توجه

به نیاز امروزشان از مسکن معیشت محور به سمت مسکن شبه شهری با کارکرد سکونتی- خوابگاهی تغییر یافته‌است؛ بنابراین تحولات اقتصادی با تغییرات ساختار جمعیتی (مهاجرت روستا-شهری، تخلیه جمعیتی روستاها و...) و تغییرات ساختار کارکردی (فناوری) و نهادی (متزلزل شدن اساس و بنیاد تولید کشاورزی و گسترش فعالیت‌های حاشیه‌ای و غیر تولیدی و...) توانسته است موجب بروز رفتارهای معیشتی متفاوتی در زندگی روزمره روستاییان و به تبع آن دگرگونی در کالبد مسکن روستایی در طی پنج دهه اخیر گردد (جدول شماره ۳).

ساختار معماری کالبد مسکن روستایی			عناصر اساسی جامعه‌های انسانی		
نقش کارکردی مسکن	سازمان فضایی مسکن	عناصر کالبدی مسکن	تغییر در توانمندی جوامع	تحولات اقتصادی	
از بین رفتن فضاهای قدیمی تغییر عملکرد فضاها (مطبخ به آشپزخانه، سرداب به یخچال، سرویس بهداشتی به درون بنا) عدم کارکرد مناسب با معیشت	تغییر در ابعاد و اندازه فضاها غلبه فضاهای زیستی کاهش یا حذف فضاهای معیشتی	کاهش سطح زیربنا استقرار خانواده‌های گسترده ساخت منازل مسکونی با مصالح متفاوت، ارزان و گاه نامناسب توسط مهاجران			
تغییر عملکرد معیشتی تولیدی به خدماتی حذف تنورخانه، هیزم دان، آبریزگاه، انبار و کارگاه (گرایش به مصرف‌گرایی) خارج کردن اصطبل از فضای مسکن افزودن پارکینگ، مهتابی و زیرزمین عدم استفاده از فناوری‌های نوین در حوزه معیشتی (کشاورزی سنتی) تبدیل مسکن روستایی به خانه دوم	مسکن شبه شهری تنوع در فضاها تغییر در سلسله‌مراتب فضایی کاهش نسبت توده فضا با حذف برخی فضاها پیش‌بینی و اختصاص فضای استقرار ادوات و ماشین‌های کوچک کشاورزی درون محوطه مسکونی به پارکینگ	عدم توجه به زیبایی‌شناختی استفاده از مصالح جدید و فناوری‌های نوین در ساخت حوزه زیستی و خدماتی مسکن روستایی (غلبه مصالح شهری) عدم گزینش الگوهای معماری براساس خصایص و پیشینه فرهنگی (حذف مصالح بومی) عدم توجه به ویژگی‌های اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی	تغییر در فناوری		
تغییر مسکن معیشت محور روستایی به مسکن خوابگاهی (عدم حمایت از کشاورزی سنتی) کاهش مساحت عرصه (کاهش سرانه زمین کشاورزی سنتی) عدم وجود فضاهای کارکردی بومی	جداسازی فضاهای سکونتی (اعیان) و فضاهای معیشتی (عرصه) در مسکن روستایی غلبه الگوی مسکن شهری ایجاد شکاف مکانی- فضایی بین مسکن قدیم و جدید روستا	مشارکت مردم و دولت در مقاوم‌سازی مسکن روستایی ساخت و ارتقای فضای زیستی یکنواختی شکل مسکن جدید	تغییر در نهادهای اجتماعی		

ج ۳. تحولات اقتصادی و تغییرات ساختار معماری مسکن روستایی.

بوده‌است. از این رو «سکونتگاه‌های روستایی برای آنکه بتوانند به حیات و رشد خود ادامه دهند نیازمند همگامی و هماهنگ شدن با تحولات پیش‌آمده در دیگر عرصه‌های سکونتی جامعه و به‌روز کردن شرایط زیست و محیط سکونتگاهی خود با تکنولوژی، شرایط

بنابراین سیاست‌های اقتصادی شهرمحور، با هدف تولید غذای شهرنشینان در قطب‌های کشاورزی و دامداری متمرکز، موجبات غیراقتصادی نشان دادن تولید در مراکز تولید روستایی غیرمتمرکز شده است که نتیجه نهایی آن حذف فضاهای معیشتی از مسکن روستایی

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. (۱۳۸۳)، گزارش طرح هادی روستای هیر، (۱۳۸۵) گزارش طرح هادی روستاهای زیاران و حصارخروان.

- پاتریک، نولان؛ لنسکی، گرهارد، ترجمه: ناصر موفقیان. (۱۳۹۶)، جامعه‌های انسانی.

- پورطاهری، مهدی؛ فتاحی، احداله؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۹۷)، تحلیل اسنادی مقالات علمی- پژوهشی مسکن روستایی ایران در دهه اخیر، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۹، شماره ۳، صص ۴۳۳ - ۴۴۹.

- ترکاشوند، عباس؛ راهب، غزال. (۱۳۹۳)، گونه‌شناسی مسکن روستایی استان قزوین، نشر بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

- داگلاس سی. نورث، ترجمه: میر سعید مهاجرانی، زهرا فرضی‌زاده، مقدمه: فرشاد مؤمنی. (۱۳۹۷)، فهم فرایند تحولات اقتصادی، نشر نهادگرا، چاپ دوم.

- دائرةالمعارف معماری و شهرسازی (مصور).

- زرگر، اکبر، حاتمی خانقاهی، توحید. (۱۳۹۳)، وجوه مؤثر بر طراحی مسکن روستایی، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۸، صص ۴۵ - ۶۲.

- زرگر، اکبر. (۱۳۹۳)، مقدمه درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، چاپ اول ۱۳۸۶، صص ۱۰۱-۱۰۵-۱۴۳-۱۴۶-۲۲۹.

- سازمان برنامه و بودجه کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قزوین، معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس. (۱۳۹۶)، بخش سوم برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی

روستای هیر، زیاران و حصارخروان شهرستان قزوین.

- سازمان برنامه و بودجه کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قزوین، معاونت آمار و اطلاعات. (۱۳۹۵)، گزیده نتایج

سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان قزوین.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قزوین، معاونت آمار و اطلاعات. (۱۳۹۳)،

نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی، استان قزوین و شهرستان‌ها در مقایسه با کل کشور.

- سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۸۴)، شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، صص ۴۳ - ۵۲.

اجتماعی اقتصادی و محیط تغییر یافته پیرامون خود می‌باشند» (نولان و لنسکی، ۱۳۹۶)؛ بنابراین شرط ماندن این جمعیت باقی‌مانده در روستا و دوام و استمرار معماری مسکن سنتی معیشت محور، تغییر رویکرد دولت و نهادهای اقتصادی و اجتماعی وابسته به آن‌ها می‌باشد. سیاست کشاورزی باید علاوه بر تولید محصول، اهداف دیگری را از جمله ایجاد اشتغال پایدار، بهبود درآمد روستائیان، ارائه خدمات محیط زیستی و تأمین غذای سالم را نیز در نظر بگیرد. خروج روستا از انحصار میراث ابنیه و بافت تاریخی، ارتقاء و تداوم آن به‌عنوان امری زنده و پویا، مبنایی برای توسعه پایدار روستایی و تأمین معیشت روستائیان می‌باشد.

پی‌نوشت

1. (NIE) New Institutional Economics.
2. In the quantity and quality of human beings.
3. In the stock of human knowledge, particularly as it applies to the human command over nature.
4. In the institutional matrix that defines the incentive structure of society.
5. E.C.= Economic Change / تحولات اقتصادی

F= Function / تابع

Incentive = The institutional matrix that defines the incentive structure of society / نهاد انگیزشی

Science and Knowledge = In the quantity and quality of human beings / نهاد توانمندی

Technology = The stock of human knowledge, particularly as it applies to the human command over nature / نهاد فناوری

فهرست منابع

- اکرمی، غلامرضا. (۱۳۸۹)، رمز و راز معماری روستا، اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی، صص ۲۵ - ۴۸.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. (۱۳۷۷ - ۱۳۸۱)، بافت‌شناسی روستایی کشور، معیارهای عام شکل‌گیری عناصر کالبدی روستایی (مراکز محلات، نظام کاربری‌ها، شبکه معابر، مسکن)، مهندسین مشاور مآب (رضا احمدیان، حمید محمدی ماکرانی).

- سرتیپی پور، محسن. (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی معماری روستایی (به‌سوی سکونتگاه مطلوب)، انتشارات شهیدی، چاپ نخست، تهران.
- سعیدی، عباس، طالشی، توحید، رابط، علیرضا. (۱۳۹۲)، نوسازی مسکن و دگرگونی ساختاری- کارکردی خانه‌های روستایی (مورد: روستاهای شهرستان ایجرود (استان زنجان)، فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۳۸، ص ۵ - ۳۱.
- شمس‌الدینی، علی، شکور، علی. (۱۳۹۰)، تأثیر نوسازی مسکن روستایی بر اقتصاد معیشتی روستاییان (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان ممسنی)، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۵، ص ۵۷ - ۷۰.
- صیادی، سید اسکندر. (۱۳۹۱)، بررسی روند تغییرات کارکردی خانه‌های روستایی (روستای گرجی محله، شهرستان بهشهر، استان مازندران، مجله علمی - تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال دوم، شماره یک، پیاپی ۵، ص ۸۷ - ۱۰۶.
- فاضلی، نعمت‌اله. (۱۳۸۷)، مدرنیته و مسکن، رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، ص ۲۵ - ۶۳.
- محمدی یگانه، بهروز، چراغی، مهدی، اسلامی، لیلا. (۱۳۹۶)، تحلیلی بر اثرات اعتبارات مقاوم‌سازی مسکن روستایی بر کارکرد تولیدی آن، دهستان معجزات، شهرستان زنجان، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۸، ص ۵۱ - ۶۲.
- محمدی یگانه، بهروز، چراغی، مهدی، اسلامی، لیلا. (۱۳۹۸)، تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر تحولات مسکن معیشت محور در نواحی روستایی، مطالعه موردی: دهستان معجزات، شهرستان زنجان، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۶۶، ص ۳۵ - ۴۹.
- محمدی یگانه، چراغی، مهدی. (۱۳۹۶)، تحلیل شاخص‌های اقتصادی مؤثر در تحولات کارکرد مسکن روستایی (دهستان غنی بیگلر، شهرستان زنجان)، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۶۰، ص ۳۵ - ۴۴.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۷ - ۱۳۹۸)، چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۵)، اظهارنظر کارشناسی درباره: طرح جامع توسعه و عمران روستایی کشور، دوره دهم، سال اول.
- مهدی‌نژاد، جمال‌الدین، شرقی، علی، اسدپور، فائزه. (۱۳۹۷)، اثرات عوامل اقتصادی در ساختار کالبدی مسکن روستایی پایدار، چهارمین همایش ملی معماری و شهر پایدار، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران.
- Chambers, R. (2006), Ideas for development, Earth Scan Publication, London, Sterling VA.
- DFID. (1999), Sustainable Livelihoods guidance sheets: Department for International Development (DFID).
- Helmor, C., and Sing, N. (2001), Sustainable livelihood: building on the wealth of the poor. Bloomfield: Kumarin Press.
- Shubhadeep Roy, Rajarshi Roy Buman, Neeraj Sing . (2012), Basics of Livelihood in Rural Perspective, <https://www.researchgate.net>
- Dewey Thorbeck, first publish (2017), Architecture and Agriculture, a rural design guide
- Kristina (Krista) Duynisveil. (2008), "AGRITECTURE: Woven Lea Farm, Master of Thesis, Waterloo University, Ontario, Canada